

92-81



Кол жазмалар фондусу

Инв. № 535

الحمد لله وامننه اوشبهورساله فرضین قاری  
وترکی مع بست یک اجبیت نماز فارسی  
بجسوع اسم عظیم نیک جناره و اصول دین  
و مجسوع شرح به

فی ۱۳۲۶ هـ  
فرضین

باستانام محمد ذاکر ابن موسی قاری تاشکندی



و عاصی اسم عظیم مخفی نماند که روایات مختلف است اسم عظیم در کلام کلمات بودست ازین جهت ۲  
 روایات مرویه اجماع کرده نوشته شد تا در هر دو آیت موافق شود خواننده متوجه مجموع اسم عظیم ازین مجموع  
 خواندست مجموع همین است بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انما اسالك بان ملک الحمد لآله الالهات لجنان الجنان با حنی

بسم الله الرحمن الرحیم

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم یعنی بنیاد میطلبیم من سعوی  
 الله تعالی از شر شیطان صفت انیت که رجیم است  
 یعنی رانده کرده شده است درگاه الله الرحمن الرحیم  
 یعنی آنچه از من بنیام معبود بر حق که بخشنده و بختاینده است  
 بر همه خلقت الحمد لله رب العالمین حمد ثابت است مرا که تعالی  
 را که در عالمیان است عزیز مریا و تربیت کننده عالمیان است  
 و العاقبه للتحقیق عاقبت یعنی نیکی آخرت مرتقیان است  
 و الصلوة والسلام عیار رسول محمد وآله و صحابه جمعین صلوة یعنی  
 دعا و ذرود سلام یعنی رحمت نازل باد بر رسول خدا که نام معرف  
 ایشان محمد است و بر آل ایشان و بر اصحاب ایشان و بر جمیع

یا منان یا  
 بیخ اسوت و لا یزید و لا یجول  
 و الا کلامی یا قنوم و یا ایا  
 عیسیه یا قنوم و یا ایا  
 حاجتی بر جناب یارم الرحمن  
 لانه لا اله الا انت سبحانک انک انت من  
 الظالمین اللهم انما اسالك بان  
 استند انک انت لانه لا اله الا انت  
 الصمد الی لم یولد ولم یولد لیکن

کفوا احدکم از آزار الالهی  
 اقبو و الیکم آواز واحد لا اله الا هو  
 الرحمن الرحیم یا زجیل الالام یا  
 ارحم الراحمین اللهم انما اسالك بانک  
 انت الله لا اله الا انت الواحد الاحد  
 افوا احدکم از آزار الالهی  
 بین انقوا احدکم و الیکم  
 لا شکر لله الا لا اله الا انت سبحانک  
 شیخ فخری در اول لایق و بسم الله الرحمن الرحیم  
 العظیم اللهم انما اسالك بانک انت  
 الاله الی لم یولد ولم یولد لیکن

بسم الله الرحمن الرحیم  
 اللهم انما اسالك بانک انت  
 الاله الی لم یولد ولم یولد لیکن  
 لا اله الا انت سبحانک انک انت من  
 الظالمین اللهم انما اسالك بانک  
 انت الله لا اله الا انت الواحد الاحد  
 افوا احدکم از آزار الالهی  
 بین انقوا احدکم و الیکم  
 لا شکر لله الا لا اله الا انت سبحانک  
 شیخ فخری در اول لایق و بسم الله الرحمن الرحیم  
 العظیم اللهم انما اسالك بانک انت  
 الاله الی لم یولد ولم یولد لیکن

فی الکفایة البغیة فی الاخبار ان من سمع الاذان ولم یقل مثل ما قال مؤذن فانه یثقل علی من کلالة الشهادة  
 عند الزرع فلم یقل مثل ما قال المؤذن فی الاقائمه فانه یمنع من السجود یوم القیمة اذ السجود المؤمنون صدقاً لآلح لودم  
 و عن حضرت زین العابدین قال قال رسول الله صلی الله علیه و سلم اذا قال المؤمنون انکم اکر البرکة فقل احدکم الله کبر البرکة کبر

ایشان لا اله الا الله محمد رسول الله نیست خدای مکرکب  
 خدا محمد رسول خدا یعنی فرستاده شده خدا بوسی خلق از  
 برای رسانیدن احکام شریعت استهدان لا اله الا الله  
 و استهدان محمد اعبد و رسوله کو ای میبیم من اینکه نیست  
 خدای مکرکب خدا و کو ای میبیم اینکه محمد بنده خدا فرستاده  
 شده خداست آمنت بآنگه و ملائکته و کتبه و رسله و الیوم  
 الآخر و القدر خیره و مشوره من الله تعالی و البعث بعد الموت  
 یعنی ایمان آوردن من سجدهای عزوجل و باورشکان می و باهمه  
 کتابهای می و باهمه رسولان وی و بر روز قیامت و با آنچه  
 تقدیر نیک و بدی همه از خداست عزوجل زنی کرده اندین  
 بعد از می اندین حق است و راست یعنی فعل الیه انشا و حکیم  
 ما یرید و مختصره ان یقول ما امرنا الله تعالی به قبلته و ما نشاء  
 عنه انتهیت یعنی مختصر ایمان اینکه گوینده آنچه نیر که هر  
 گز در است مرا الله تعالی بهیون چیست رسول کردم من بهیون  
 چیز را و آنچه نیر که نسی کرده است مرا الله تعالی از هر آنچه باز

شهرت قال الله  
 ان اتوا الا الله قال محمد ان  
 لا اله الا الله محمد رسول الله  
 قال محمد ان الله عز وجل لا اله الا الله  
 و على الصلوة قال على  
 لا اله الا الله اعظم قال على  
 لا اله الا الله قال ابن عباس  
 لا اله الا الله قال ابن عباس  
 لا اله الا الله قال ابن عباس

س

الذکر الله قال لا اله الا الله  
 قال لا اله الا الله من فضل اجتهاد  
 رواه البخاری عن عمار بن یاسر  
 قال یوم قال رسول الله صلی الله علیه و سلم  
 من قال لا اله الا الله کتبت له به من الاجر  
 ما یؤتی العبد من الاجر الا ان ینزل  
 من الجنة ماء فیرش به العبد  
 من الجنة الا ان ینزل من الجنة ماء  
 فیرش به العبد من الجنة الا ان ینزل  
 من الجنة ماء فیرش به العبد من الجنة

رواه البخاری عن عمار بن یاسر  
 الاذان لا یصلون الا بالکتاب و بی  
 ذمیر فی ایشاء الی الله و سجد  
 و تمهید فی ایشاء الی الله و سجد  
 اتفاقاً در کون دوم علی بنی سجد  
 راست بودن یوم امامت یعنی کار  
 اخذت از کار دنیا مقوم در پیش  
 به چهارم نبوت یعنی نبوت  
 را با حق دانستی و جسم امر  
 مؤذن

معروف یعنی آنچه خدا تعالی امر کرده است بجای آوردن ششمی منکره یعنی آنچه خدا تعالی امر کرده است  
خود را باز داشتن معتمد توالست یعنی دوستان خدا تعالی را دوست داشتن معتمد یعنی دشمنان خدا را  
تعالی را دشمن داشتن در چهاردهم یعنی ده بار بشنود قطعه سیدان ؛ بویگر و عمر عیسی عثمان ؛

استادم از همون چیز فاذا اعتقدت ذک بقبله و قبلت با نه  
کان ایمانه صحیحاً و کان مؤمناً باکل فضول عماری من نفسه  
پس هر چا همیکه اعتقاد کند بنده بهین امر منی را بدست و اقرار کند  
بزیانتش باشد ایمان همین من صحیح و باشد مؤمن باکل چیزها  
فروع استیجاب فرض است اول استیجاب جنب دوم استیجابی  
رئینه ازین پاک شود سوم استیجاب نهیکه از نفاس پاک شود  
چهارم نجاستیکه نهاده باشد از قدر هم عشر سیستن روی  
هم فرض است در طهارت چهار چیز فرض است اول  
سیستن روی از دمیخ موی پیشانی تا زیر منته از منته نمره  
ثوین دوم شستن دوپا مع نجیل و در غسل سه چیز فرض است  
اول سیستن بان دوم سیستن بینی سوم سیستن تمامی  
بدن اسباب فرضیست غسل نیت سبب اول  
ملاقات کردن دوختنه سبب دوم بر آمدن منی بد وقت  
سهوت سبب سوم اختلافی حسب پرم پاک شدن هم چیز  
حسب پرم پاک شدن از نفاس و در سبب هم چپا

عنه عیسی عثمان  
طاهره و غیره

از وج مظهران

بغبت که کمال درین  
بغایت خود را بخشد

با م حقیقه بود زینت  
بسیور حقیقه بود در سبب

در بیان پلن الهی

ای بار از آن غسل فرضی در آن  
تا پشت گردن یا اندک از آن در شام

نیت نیت  
نیت در وقت سبب جاریه

نیت در وقت سبب جاریه  
و کما یروى وقت سبب جاریه

بعد از آن غسل فرضی  
خلفا در وقت اول غسل دوم غسل  
باز در وقت اول غسل دوم غسل  
طریق غسل فرضی در وقت

باز در وقت اول غسل دوم غسل  
طریق غسل فرضی در وقت  
عنان هر وقت که در وقت  
عبدی که در وقت سبب جاریه  
غسل فرضی در وقت سبب جاریه  
مسعودی در وقت سبب جاریه  
نیت نیت در وقت سبب جاریه

عنه يوم ابوكرا شعري حضرت الله عنه يازدهم معاذ بن جبل حضرت الله عنه در میان نسبت فامه  
ان حضرت ما الله عليه وسلم باين طريقه كه حضرت محمد مصطفي صلي الله عليه وسلم بن عبد الله بن عبد المطلب  
بن هاشم بن عبد مناف بن قصي بن كلاب بن مرؤ بن كعب بن لؤي بن غالب بن فهر بن مالك بن النضر بن كنانه بن خزيمة بن مدركة بن إلياس بن مضر بن نضر بن معد بن عدنان

چهار خيز فرض است اول نیت دوم قصد خاک پاک کردن  
سوم یک ضربیدن از برای مسح روی چهارم یک ضربیدن  
از برای مسح دودست مع آنج ودر سیم جنب نیت  
طهارت کفایت میکند در نصاب علیه الفوی ودر چهارم سایه  
بهو الصبح ودر نماز دوازده فرض است متفق علیه  
اول آب پاک دوم جای پاک سوم جامه پاک چهارم وقت  
پنجم نیت ششم قبله هفتم بکبر میسر میسر هشتم قیام نهم قرأت دهم  
رکوع یازدهم سجود دوازدهم مقدمه اخیر مقدار التیمات خاندن  
تا عبود ورسوله سه عورت نیز از فرض متفق است فرض خلافت  
نحبت اول ترتیب دوم بیرون آمدن نماز گذار بفعل سجود  
سوم آرام گرفتن در رکوع ودر سجود چهارم قومه بجم جلوسه نهم دام  
ابولویف و امام شافعی رحمهما الله و سمرالط فرض ششم  
رکوع هفتم اول حریت دوم بلاعت سوم عقل چهارم سلام  
پنج نصاب ششم گذاشتن سال مقیم غیر از فرض صاحب نصاب  
بودن و نیت رکوع در وقت دادن یاد وقت جدا کردن

حدث  
ابو بكر صديق  
بن قاتان بن علي بن كعب  
وقضت عنك فافقه بن  
خطاب بن ابي بن كعب بن  
عبد الغزي بن ابي بن كعب  
بن ابي بن عدي بن كعب  
وقضت عثمان بن ابي العباس  
بن عفاك بن ابي العباس  
بن عبد بن كعب بن كعب  
عيازم الله وحب بن ابي  
طالب بن عبد المطلب بن  
هاشم بن عبد مناف  
الي اخره

فريضه است ادا کردن زکوة بمهرش نیز فرض است مصارف زکوة  
 نیز بجهت اول فقير دوم مسكين سوم عامل زکوة چهارم مکاتب پنجم  
 مديون ششم منقطع الغزات هفتم اسير و در روزه سه چیز است  
 اول نیت دوم ناهوردن و ناهامیدن سوم ترک حجاب کردن از صبح  
 صادق تا فرودن آفتاب لم فرض عين است اگر معلوم فرض عين  
 باشد که کسب نیز فرض است نزد حاجت و ضرورت فرض است بر  
 عالم یا دادن بطالب بر عيش مرثا بوقتیکه فدی طالب حفظ  
 کند طالب غضب بکن طالب و در طعام خود هیچ چهار چیز فرض است  
 اول جلال خوردن زیرا که با مخلوق از عظم فی الطین است دوم رزق  
 را از واجب تغایر این سوم تقسیم نکردن ضرر بودن چهارم  
 تکسینت نهادن امیکه قوت طعام در وی است صحابه و تابعین رضوان الله  
 تعالیهم اجمعین باجماع و اتفاق اعتقادات حق را از کتاب و از  
 سنت اخذ کرده اند عمل کردن بقرض ایمان بر همه مومنان  
 فرض عين است که تعالی مستحکم و موفق کند و آیتین در رب  
 العالمین فرض عين است فاما سی تمام شد



۷  
فرض عین بت کی

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله العالمین بغیر حمد ثابت بولسون خدای تعالیٰ غہ  
صفتی بودور کہ ہمہ عالمی درجہ بدرجہ تربیت قلیب کمال غہ  
تیکور کو چیدور والعاقبہ للمتقین یعنی آخرت پر میر کار لاغہ  
دور الصلوٰۃ والسلام عارمولہ محمد وآلہ واصحابہ جمعین یعنی  
دعا و رحمت نازل بولسون رسول خدا غہ کہ نام سرفیلا محمد دور  
عیان علیہ وسلم و تقریب جمیع اصحاب الاربعہ رحمت نازل بولسون لآلہ  
الاکم رسول اللہ غیر اللہ تعالیٰ دین اور کابچ معبود یوقنور  
محمد علیہ الام انیک سے لیدر لار اسمدان لآلہ الا لک اسمد  
ان محمد اعبدور رسول بغیر کواہلیک سیرامن کہ بر خدا دین اور کوا  
بچ معبود یوقنور و کواہ لیک سیرامن محمد علیہ الام بندہ خدا  
ور رسول خدا دور لار آمنت باللہ و ملائکتہ و کتبه و رسلہ و الیوم

نیت نماز فاسد نیت کردم بگذارم دو رکعت سنت نماز با باد و قشیکه بر منست  
 روی آوردم بقبله قبله من جهت کعبه خالصانه تعالی الله اکبر فرض نیت کردم بگذارم  
 دو رکعت فرض نماز با باد و قشیکه بر منست روی آوردم بقبله قبله من جهت کعبه اقتدا کردم با هم

الآخر والقدر خیر و سره من الله تعالی والبعث بعد الموت  
 یعنی ایمان کیست و دریم الله تعالی غم و اندک فرشته لاریفه و کتاب  
 لاریفه و چمنبر لاریفه و قیامت کونیفه و قیامان تقدیر یونیم لاریفه  
 یعنی سرسری یعنی بختی و ایمان یعنی خدا درین ایرود و نیک و کمالین  
 سو نیک تیر کوزمانی حقد و درست در فعل الله سب و حکم  
 مایه یعنی قبله الله تعالی هر نمیه که خواهر لاریفه حکم ایتیار هر نمیه که  
 اراده ایتیه و محقره ان یعول امر سر الله تعالی به قبله و ماننا  
 غم نه نیست یعنی ایمان منر محقره در دور که بند تهنیه کاخه  
 تعالی هر نمیه هر تسلیم من فی قول قلیم و هر نمیه در خدایت  
 سخی قلیم من اندین او زومی سقولادیم دیله فاذا اعتقدوا  
 بقبله اقر لبانه کان ایمانه صحیحاً و کان مؤمناً بالکل من قول  
 بنده او بشو بند لیده او ستوار و تسلیم اقرار قبله ایمان صحیح و  
 مؤمن همه نامورات و منجیات و فضول عادی من لغنه فضول  
 کتابیم منقول در قورت نوع استیخافه را اول جنب  
 استیخای یکی حیض دین پاکه لغان خاقون استیخای و چو

خاف  
 ایستاده خالصانه  
 تعالی الله اکبر نیت  
 نماز پیشین نیت کردم  
 بگذارم چهارم رکعت  
 نماز پیشین و قشیکه  
 بر منست روی آوردم قبله  
 قبله من جهت کعبه خالصانه  
 تعالی الله اکبر فرض  
 نیت کردم بگذارم چهار  
 رکعت فرض نماز پیشین  
 بگفت فرض نماز پیشین  
 و قشیکه بر منست  
 قبله من جهت کعبه اقتدا کردم  
 با هم حاضر ایستاده خالصانه  
 تعالی الله اکبر نیت  
 نیت کردم بگذارم دو رکعت  
 سنت نماز پیشین و قشیکه  
 بر منست روی آوردم بقبله  
 قبله من جهت کعبه خالصانه  
 تعالی الله اکبر نیت  
 نیت کردم بگذارم چهار  
 رکعت فرض نماز پیشین  
 و قشیکه بر منست روی  
 آوردم بقبله قبله من جهت  
 کعبه خالصانه تعالی الله  
 اکبر فرض نیت کردم بگذارم  
 دو رکعت فرض نماز با باد و  
 قشیکه بر منست روی آوردم  
 بقبله قبله من جهت کعبه  
 اقتدا کردم با هم

خاف ایستاده خالصانه  
 تعالی الله اکبر نیت  
 نیت کردم بگذارم چهار  
 رکعت فرض نماز پیشین  
 و قشیکه بر منست روی  
 آوردم بقبله قبله من جهت  
 کعبه خالصانه تعالی الله  
 اکبر فرض نیت کردم بگذارم  
 دو رکعت فرض نماز با باد و  
 قشیکه بر منست

بر پشت در آوردم بقبله قبله من جهت کعبه اقد کرده با هم حاضر استاده خالصه الله تعالی  
 الله اکبر سنت پنیت کردم بگذارم دو رکعت سنت نماز شام وقت که بر پشت در  
 آوردم بقبله من جهت کعبه خالصه الله تعالی الله اکبر نیت کردم بگذارم چهار رکعت فرض

مغاسنیم پاک بولغان خاتون استنجای توره بخیر خاستیک  
 مقعدین در هم سرعیدین زیاده بولسه طهارت کرده توره فرض  
 تر در اول یوز یوماق پشانیدین موی اونکان موصوعه نغم لاشنی  
 استینجه و اندین اینکا کاستینجه ایکنجی قول یوماق ایکی تیر سیکنجی پوچ  
 باشنی توره نین بر بغیر مسج تار حاق توره توچنی ایکی عیننی توفینجه پ  
 یوماق غسل در اج فرضه در اول اغیزنا یوماق ایکنجی بو تری پوما  
 او توچنی تمام بندکاسو تیکو راق و عیننی فرض ایکنجی سبک لایش در  
 اول ایکی خنده ملاقانی یعنی ایر کیشی مانده ام نهامی خاتون کیشی  
 اندام نهام سینه وچی غایب لایه ایکنجی آب منی ایر کیشی خاتون  
 دین لذت له جدا بولسه اوچنی اختلام توره توچنی خاتون کیشنی جنسی  
 منقطع بولسه ایکنجی خاتون کیشنی توقعانین اونک قان توتنا بوشیر  
 نیرسه بر له غسل اینک فرض توره **سید** هم تورت فرض  
 دور اول نیت قیماق ایکنجی پاک نقراتی قصد ایتمک اوچنی  
 یوز غمه مسج ایتمک و چون بر ضرب از من توره توچنی ایکی قول مسج  
 او چون بر ضرب از من تمیده جنب کیشی طهارتی نیتین قیله کفایه

نماز  
 خاتون قنیکه نیت  
 روی آوردم بقبله من جهت  
 کعبه اقد کرده با هم حاضر  
 استاده خالصه الله تعالی  
 الله اکبر نیت کردم بگذارم  
 دو رکعت سنت نماز شام وقت  
 که بر پشت در آوردم بقبله  
 من جهت کعبه خالصه الله  
 تعالی الله اکبر نیت کردم  
 بگذارم چهار رکعت فرض  
 و جهت سبک لایش در  
 آوردم بقبله من جهت  
 کعبه خالصه الله تعالی  
 الله اکبر

قیاد رکنا بضا بد او شونعه علیه القوی و هدا کیتا بند مو صبح  
 ایرور سمازده اون یکی فرض متفق علیه رد و اول پاک  
 سو اینچی پاک حای او چوچی پاک عامه تور لوچی وقت شیخی نیت  
 اینچی قبله شیخی بکیر تحریمه سکنه شیخی قیام تو قوز شیخی قرأت قیام  
 بر است دراز یا اوج آیت کوه او نوچی رکوع اون بر شیخی سجود  
 اون نمشی فقهه اخیر مقدار التحیات تا بعد در سوره سوره ستم  
 فرض متفق علیه در فرض خلافه میشه در اول ترتیب شیخی  
 نماز گزار نمازین او ز فایحه حقیق او چوچی نماز گزار رکوع  
 و سجوده بر شیخ ایتماق مقدار شیخ آرام آفاق تور لوچی قومه  
 بیشینچی جلپه امام ابو یوسف امام شافعی و امامان نزد لاریه  
 ذکوة فرض بولاق شرطاری شیخی در اول حریضی آزاد  
 بولاق یکنی بلاغت او چوچی عقل تو شیخی اسلام بیشینچ نصاب  
 آتینچ بریل و تمامی آتینچ قرصین با شقه نصاب کوه غصاحب  
 بولاق ذکوة بولاق یا اقلیماق و فقه نیت قیام فرض در  
 ذکوة مضرغیه بولاق فرض در مصرف ذکوة هم شیخی طائفة کتبه

دور اول فقیر بچہ مسکین او چو بچی عامل زکون تو تیر مکتبہ  
 بیشینچہ دیون یعنی فرض دار البیخہ منقطع الغزاة تیر این سبیل  
 روزہ دہ اوج فرض تو دور اول نیت بچہ مسکین یا مسکین یا مسکین  
 لیک او چو بچہ جماع قیلا مسکین صبح صادقین آفتاب یا تقویہ  
 علم فرض عین دور اگر معلوم فرض عین بولہ و علم تعلم العلم فرض  
 عین و ہوا می تعلم بقدر ما یحتاج لہ نینہ می بختا جہ و ما مؤملو لہ الینہ  
 یعم لہ مکوۃ و الصدوم و الزکوۃ ان کان لہ مال و لکن ان جہت البیوع  
 ان کان تیر و کل من ال شغل منی تیر فرض علیہ علم التجر عن الحرام طحی  
 سن عزیزہ فر اولہ یعنی تحقیق سبب لیکہ علم او رکنا مک فرض عین تو دور  
 دین او چون محتاج بولغان مقداریچہ و دین سائل بولور نمازہ  
 دوروزہ غمہ زکوۃ غمہ اگر مالی بولہ و حجوزہ اگر الحج و اوج بولغان  
 بولور بیع لار غمہ اگر تجارت بولور بولہ ہر کیشہ برانچہ مشغول بولہ  
 فرض بولور اول کیشیغہ اولیشہ حرام دین آہراز قیلا منی  
 بیماق کسبایق ہم فرضہ حاجتہ بولغان وقتہ بقدر  
 حاجت عالم غمہ یاد بیاق فرضہ فرضی طالبشیر غمہ تا ہم

اینگونه و حفظ اینگونه و ضبط اینگونه طهارت مالک تورت فرضیا  
 اول جلال سماک نیز که خلقه پاکینغرا و لغ فرض تردد کسچی  
 زرغنی خدا تعالی این بلیاق آو چوخی انکه تعالی نینکستینه منی  
 بولماق تویرچر مادامیکه طعام قوی مؤنده و مصیبت قیلغای  
 صحا و یعین رضوان انکه تعالی علیهم اجمعین سبعا و اتفاق  
 یرله کتاب عقیدین در حدیثین اخذ ایلاب من قیلغای ابرور لار فرض  
 عین لارغ عمل قیلماق فرض ایدر حکم و منوفق قیلغای این تم

## در نماز دست چکواجب است

هفت اعم است چهارده او خالص است آن بفتیکه عم است  
 اول انکه اگر گفتن است در یکم تحریریه دوم مقده اولی سوم  
 التیمت خواندن در تقدین چهارم آرام گرفتن در رکوع و در  
 سجود مقدار یکت سبج پنجم آوردن هر فرض را در جایش ششم  
 آوردن هر واجب را همچنین هفتم خارج شدن مصنی از نماز بطل  
 سلام آن چهارده که حال است اول تعین اولین از برای فرات

دوم نین فاتحه در دو رکعت اول از فرض سوّم فاتحه یکبار خواندن  
 چهارم ضمّ سوره بر فاتحه مقدر سه آیت کوتاه و یا یک آیت در از پنجم  
 تقدیم فاتحه بر سوره همین پنج واجب مذکور واجب است بر شخص که  
 واجب است بر همان شخص قرات ششم قنوت پنج آند در نماز وتر  
 هفتم در بلندی بلند خواندن هشتم در پستی است خواندن نهم سکوت  
 کردن مقتدی در وقت قرات کردن امام دهم تعینت کردن  
 مقتدی مراسم با هر حالیکه در یابد اگر چندیکه محسوب از نماز باشد  
 یازدهم سجده تلاوت بر امام و بر منفرد و از دهم تکبیرات عین  
 سیزدهم تکبیرات کو عیدین چهاردهم سجده سهو بر امام و بر منفرد  
 و اجابت و ترک واجبات در هشت است اول از قتم خود یا  
 در جمیع صور از قتم اول بدان بدستیکه طمانینه واجب مرغیست  
 مقصدت نماز نچست اول تکلم کردن بکلام آدمیان مطلقا بر هر پستی  
 کثیر باشد و یا قلیل باشد اگر چندیکه دو حرف ظاهر شود قصد او با سهوا  
 باشد دوّم ضحک یعنی خنده کردن یا آواز اندک سوّم عمل کثیر یعنی  
 فیا که محتاج باشد بدست چهارم ترک کردن از نماز ایضا سحر

پنجم بخورد حشمت نیدن غیر طهارت خود را بفعل خود نکیند

## محرمات نمازها سرده دست

اول بسم الله الرحمن الرحيم را بلند گفتن حرم دوم آیین را بلند گفتن حرم  
 سوم نگاه کردن بجانب راست و چپ بگردانیدن بغیر روی حرم چهارم  
 نگاه کردن بسوی آسمان حرم پنجم تکبیر کردن بتون و مانند ستون  
 یغیر حرم ششم برداشتن بود دست از غیر موصوفه متوجه شد حرم  
 هفتم برداشتن نکشتن پای از زمین در رکوع و در سجود حرم هشتم  
 نشستن بر بالای دو پا نشسته حرم نهم بازی کردن میدان و بیامه کم  
 از سه بار حرم دهم اشارت کردن که است و وقت اشهدان لا اله الا  
 الله و اشهدان محمد عبده و رسوله گفتن حرم یازدهم قصر کردن سلام  
 بی جانب حرم دوازدهم قنوت خواندن در غیر وقت حرم سیزدهم باز  
 کردن در تکبیرات در سجده و در نشسته و بر سینه حرم  
 چهاردهم ترک کردن یکی از واجبات حرام فسد و حد فک  
 از جمله فرو ریات دین است اول و حشمت در خالقیت غیر از تعالی



خالق جمیع اشیا است غیر از وی خالق دیگر نیست دوم وحدت  
 در معبودیت یعنی الله تعالی لایق عبادت و سرور و پرستش است  
 غیر از وی معبود دیگر نیست سوم وحدت در جواب الوجود یعنی الله تعالی  
 واجب الوجود است یعنی هستی خود من از او نشأت نموده است نه از غیر این  
 صفت در غیر الله تعالی بجانانیت اگر در حسد که  
 خدا تعالی را بچند صفت بشناسد جواب بگوید که ده صفت بنام  
 است او ثبوت است و دومی او پسلی است آن ششگانه بزرگ است  
 اول علم یعنی الله تعالی بجانانیت همه اشیا دوم قدرت  
 یعنی الله تعالی بجانانیت آنچه نیک خواهد فعلاً و ترکاً سوم حیات  
 یعنی الله تعالی بجانانیت زنده است از لا و ابدانه بجان چهارم سمع  
 یعنی الله تعالی بجانانیت شنواست نه بگوشت و چپش بصیرت یعنی  
 یعنی الله تعالی بجانانیت است نه بچشم ششم کلام یعنی  
 الله تعالی بجانانیت گویند بزبان بکلام نفس بکلام لفظ مطهر  
 اراده یعنی الله تعالی بجانانیت صاحب اراده و تمییز است هر چه خواهد  
 و هر چه نخواهد است هفتم تکوین یعنی الله تعالی بجانانیت بود را پیدا

گفته است آن دو صفت که سبلی است اول آنکه آنکه تعالی که و  
 یکانه است بر شکر و بر شکر و به مانند است دوم آنکه آنکه تعالی پاک است  
 از جمیع عیبها و نقصانها کثرتش کلمه بی اول کلمه طیبه گفتن  
 است که لا اله الا الله محمد رسول الله دوم کلمه شهادت گفتن  
 است که اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا عبده و رسوله سوم  
 کلمه توحید گفتن است که لا اله الا الله و حده لا شریک له لا یملک  
 و له الحمد بحیر و بحیرت و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو عاقل شرف ید  
 چهارم کلمه توحید گفتن است که سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله  
 و الله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم مائت الله کان  
 و ما لم یثلم کمین چنین کلمه استغفار استغفر الله استغفر الله  
 استغفر الله تعالی من کل ذنب ذنبه عمدا او خطا ستر او عنایت  
 صغیر او کبیر او توب الیه من الذنب الذی علم و من الذنب الذی  
 لا اعلم انک انت علام الغیوب ششم کلمه رد کفر اللهم انما اعوذ بک  
 من ان اشرك بک شیئا و انا اعلم و سیفکر بحال اعلم انک انت علام  
 الغیوب سئار العیوب و غفار الذنوب لا حول و لا قوة الا بالله العلی

العظیم ماشاء اللہ کان و ما لم یثلم یکن شبای مسلمان برینج  
 نوع است اول کلمہ شهادت گفتن است کہ اشهد ان لا اله الا الله  
 و اشهد ان محمدا عبده و رسله دوم بخودت نماز کند ازین است  
 یکوم روزة ما سرفی رمضان دین چہارم زکوٰۃ مال دادنت  
 پنجم طواف کعبہ کردن است ہر کرا قدرت و توانا باشد مرزا در حلال  
 نیت نماز پنجارہ چنین نیت کند کہ نیت کہ دم بکزارم چہار تکبیر  
 صلوات جہازہ را تمام خدایر ادوردم محمد مصطفی را تو ابش ما  
 بخشیدم مرا این نیت حاضر آمد روی آورد دم بقبلہ قبلہ من جہت  
 کعبہ افتد اگر دم باین نام حاضریت سادہ خالصا لک تعالی اللہ  
 اکبر سبحانک اللہم و بحمدک و تبارک اسمک و تعالی جہک و لا اله غیرک  
 اللہ اکبر کویہ صلوات بخواند اللہم صل علی محمد و علی آل محمد کما  
 صلیت علی ابراہیم و علی آل ابراہیم انک حمید و اللہم بارک  
 علی محمد و علی آل محمد کما بارکت علی ابراہیم و علی آل ابراہیم  
 انک حمید و بحمدک و تبارک اسمک و تعالی جہک و لا اله الا الله اعظم  
 کینا و میتنا و شاہدنا و غایبنا و صغیرنا و کبیرنا و ذکرنا و اتاننا

اللهم من حببته منا فاجبه على الاسلام ومن تقينته  
 منافستك فذمها الايمان برحمتك يا ارحم الراحمين  
 اكره يسر نار سيدة باشد اللهم اجعل لنا فرطاً وجعلنا  
 لنا خبراً واذ خرد اجعل لنا شافعاً وشفعاً برحمتك  
 يا ارحم الراحمين اكره دختك نار سيدة باشد  
 اللهم اجعلها لنا فرطاً واجعلها لنا شافعة وشفعة  
 برحمتك يا ارحم الراحمين التخيئات  
 لله والصلوات والطيبات السلام  
 عليك ايها النبي ورحمة الله وبركاته  
 السلام علينا وعلى عباد الله الصالحين اشهد ان  
 لا اله الا الله واشهد ان محمداً عبده ورسوله  
 اللهم صل على النبي اللهم بارك على النبي اللهم اغفر لي ولوالدي  
 وجميع المسلمين وجميع المسلمين وجميع المسلمين  
 وجميع المسلمين برحمتك يا ارحم الراحمين بحمت  
 ۲۶ ايل ما شريف رمضان آسي جمعه كوني نعي

## تشیح مولانا فتوٰی سر

بلبل زارم کل حزنا حالنگدن جدا  
 طوطی لالم شکر نسبت مقالنگدن جدا  
 دیر ایدیم عبر الیم اوسم حالنگدن جدا  
 بلدم و سوار امین اونج وصالنگدن جدا  
 تیره اولکر روز کارم نرف حالنگدن جدا  
 اولدی صحر امنتر لم و خوشغر النکدن جدا  
 چنچ برجان نالوان شیرین لالنگدن  
 حم کیتور در قامتیم مسکین بلالنگدن جدا

## تشیح مهیا نو الیر

نیل محیط بویم شیر باشنیک تهر اولسون  
 نقای اکیل کور ریز نیک حالنیک تهر اولسون  
 شکفتیج بازار نیک کچه کوندور شیر اویک

گنجت چرا در ایم قاشنگه نرسا اولونم  
 عرب کفته ام عمر لغار سر کفته ام قندت  
 بکر سوزلاسم بولونک چمن دینب زار اولونم  
 عرب کفته ام حاجی لغار سر کفته ام ابرو  
 بکر سوزلاسم قاشنگه کما حلقه دار اولونم  
 عرب کفته ام عنک لغار سر کفته ام چشمت  
 بکر سوزلاسم کوزنیک سحر لارده خمار اولونم ؛  
 عرب کفته ام عنک لغار سر کفته ام حندت  
 بکر سوزلاسم کولونک بو عالم مشکبار اولونم  
 عرب کفته ام وجهت لغار سر کفته ام رویت  
 بکر سوزلاسم یوزنیک خلیق انتظار اولونم  
 عرب کفته ام صد لغار سر کفته ام سینت  
 بکر سوزلاسم کولونک فیزل آله نار اولونم  
 عرب کفته ام دیت لغار سر کفته ام دستت  
 بکر سوزلاسم قولونک کشادکار بار اولونم

عرب کفتم ام جالب اسر کفتم ام پایت  
 بتر کسوز لاسام بو توک نو ایستقر اولدو  
 شرح صوفیانه یار  
 تیشتر کوسوم ایند در بغیریم داغ هجر انیم منی  
 بوالدن بو نچه غمزه داغ هجر انیم منی  
 دلده صبریم یوزده شکریم باشده سویم قالد  
 کوزده یاشیم رکده قانیم منده در مایم منی  
 درده توپنیم غمده سوپنیم تلده بو عشقم  
 حیرین مونداع اولدیم بو قوتور انیم منی  
 حالتیم بدتریم محمد فغانیم معبود  
 قیلد دمندیک یقیلغان قلغه سلطانیم منی  
 غصه دل قصه مشکل کا قالدیم آسی یل  
 آب کل ایچره مجل قالغان نین جانیم منی  
 ای تورانه یار ایغلاب نزاره لیل نهاس  
 تیر عشق یار توکسه کاشیکه قانیم منی

بسم الرحمن الرحيم

تبارک فی العیاء الابدالی  
 خداوند اکرم پادشاه  
 من اتیای امید احمد مصطفی  
 ایروان مهر دو عالم بند پرورد  
 محمد صمد بهر دو عالم  
 محمد تاج جمله انبیا دور  
 بیلیک یاری ابو بکر عمر دور  
 ابو بکر عمر عثمان علی دین  
 بو توره حوض کوثره نور زلال  
 خداوند اکرم میل نده لاله  
 همیشه خیر احسان قیل ابر سنک  
 دوام العمر فیل سعادت  
 خدا قورقونچیم اول شردین  
 عزیز عیبکنی طاعت بر اصفایت

تعالی جده عن فی امکانی  
 منک تیل سیرینکا اینا شانی  
 اهی سیرینکا شمع صفانی  
 نه نو میداتیم من جمعی که انا  
 شفیع امتانا عا صیانی  
 بنه اول نه جای پس جانی  
 تقی عثمان جیه ریکمانی  
 ایشیتینکلار دین من بزمانا  
 کیشر انکار ایتیب در سیرش آنا  
 وصالینک ریایتی نه بیکانه  
 سنینکدیکه قوتو هر کیز سلیمان  
 شریعت یلیدین حقیقه نرمانی  
 او یوسون دی تون کن بر زمانا  
 اگر نبدیم دیون لینک خدا



بودنیا آخر بولغوسر فانا	تئینگ دئستلار عبادت ایلدنگیزانا
کیر اچتشی عمل لکیلا جهانی ؛	قیلیب بعضر کاجنت بعضر کوناسر
نصیب قوم اوغلیدر سیل آنا	بهشت ایچره ایردر حوران غلمان
که دوزخ برچه جانی کافرانی	همه اسلام ایلدینه جای جنت
نصیب ایت بهشت جاودانی	خدایا ایل اول کونین خدیایا
تا پار اول دولت هر دو جهانی	تئشیکیم او قوتور اوغلینه قرآن
بو کوندر تنگلا دور تا بر زمانی	تیریک بولسنگ بول دنیا نیچه کوندا
فکر قیغیل بولدک هر زمانی	بقاسی یوق بودنیانا کیشر کا
نصیب سیل ایت جاودانی	خدایا برچه نی محروم قومیه
قیامت کونده هم پیر جوانی	خدایا برچه غرق قیغیل عنایت
او قودی سوره سبع المثانی	چس برل حسین مکتب غیب باریب
نصیب سیل ایت جاودانی	خدایا پس نام سیر له نام عده
او قونی حق کل زمین بر زمانی	که بر ناز پیر دوش قیلدی کجکینیه
اول بولغای کرم جاودانی	کیشیکیم اوغلینه بخش او قوت
که تا بقای سیر بهشت جاودانی	مسلمانلار باریب غنی تو تو نکلا ر

<p> زمانی بولمدم عمترین امانی  نه تا بجز سینه دوباره پوزمانی  نه غافل بولفیل سبب زمانی  نه آیین خیره سپرد جوانی  قتتار وقتیه سیر نور ایمانی  نصیب پیایه عرش عمانی </p>	<p> درین اونی عمیرم آه برلان  غنیست دور بودم برچو پلینکیز  خدا غنبد لیک قلیکین شب روز  آخیر قیل اجابت سنم دعائی  اظهر سبده ز مقصود میر سیر  که هست ایلاغای حق نور خبت </p>
--	--

اوشهور ساله فرض عین تمام بولری

الراشم صلا تمبری

